

شبان نیکو

شبانی که زندگی خود را می دهد

وعظ بازیل، اسقف سلوکیه به سال ۴۵۹ پس از میلاد در پایتخت کشور پارس شبان به سبب گله اش خود را به کشتن می دهد، به صورتی که گوئی خود گوسفندی می باشد. او مرگ را رد نکرده و جلادهای خویش را بسان سابق با قدرتی که داشت نابود ساخته است، چرا که مصائب بر وی چیرگی نداشته اند. او آزادانه زندگانی خود را نثار گوسفندان خود نمود. قدرت دارم که آن را بنهم و قدرت دارم آن را بازگیرم (انجیل یوحنا ۱۰:۱۸)

به سبب مصائب خویش شهوت های ما را جبران می کند، او با مرگ خویش علاجی بر مرگ ما بوده، با مقبره ی خویش مقبره را از میان برده، با میخ های صلیب خویش تا اساس هاویه را ویران ساخته است.

مرگ تا روزگار عیسی توانست قلمرو حکومت خویش را نگاه دارد. قبرها پیوسته خفه کننده بود. زندان ما غیر قابل فروپاشی بود، تا آن هنگام که شبان بدان جا فرود آمد و به گوسفندان خویش که در آن جا محبوس مانده بودند، مژده ی شادی بخش رها شدن را اعلام نمود.

ظهور او در بین آنان، ضامن دعوت ایشان به زندگانی نوین بود. شبان نیکو زندگانی خویش را به گوسفندان خود عطا نمود و با این راه کوشید تا محبت آنان را به سوی خود جلب نماید.

از این رو چون با دقت به صدای عیسی گوش فرا دهیم او را محبت می کنیم.